تخت جمشید

دکتر حسین فرهادیان

درآمد

از سال‏های گذشته،مدرک جالب توجهی در اختیار این جانب‏ قرار دارد که مربوط است به آثار به جا مانده از دوران هخامنشی که‏ به نام تخت جمشید شهرت دارد.

توضیحا به عرض می‏رساند که این جانب بیش از نیم قرن قبل‏ که در ایالات متحده‏ی امریکا مشغول تحصیل بودم،در تاریخ 22 نوامبر 1953 برای شرکت در سمیناری وارد شهر شیکاگو شدم و روزنامه‏یی خریدم.ضمن مطالعه‏ی روزنامه متوجه شدم که در یک‏ صفحه‏ی کامل روزنامه عکسی از آثار تخت جمشید به عنوان‏ «شهری که بر جهان حکومت کرد»با توضیحاتی در ذیل‏ قسمت‏های مختلف عکس چاپ شده بود.پس از شرکت در سمینار موردنظر که چند نفر از استادان دانشگاه شیکاگو نیز حضور داشتند،اظهار داشتند که چندین سال هیاتی از کارشناسان‏ امریکایی با موافقت دولت ایران در حفاری خرابه‏های‏ تخت جمشید شرکت داشتند و به وسیله‏ی هیات مزبور، قسمت‏های قابل توجهی از آثار مدفون در خاک بیرون کشیده‏ شده است.ضمنا در هیات مکتشفین مزبور،کارشناسانی از دانشگاه شیکاگو نیز حضور داشتند و معلوم شد که روزنامه‏ی‏ مزبور تصویر و مطالب مربوط به پرسپولیس را از دانشگاه‏ شیکاگو به دست آورده است.

توضیح این‏که روزنامه‏ی مزبور در جزو مجلات و کتاب‏هایی که این جانب از امریکا آورده بودم،محفوظ مانده بود و چندی قبل ضمن جابه‏جایی مدارک و کتب مزبور،خوشبختانه‏ به این روزنامه دسترسی پیدا کردم.چون مطالب مربوط به‏ تخت جمشید،در این روزنامه بسیار جالب بود،به نظرم رسید که‏ تصویر این صفحه‏ی روزنامه و مطالب آن را در نشریه‏ی معتبری‏ چاپ شود.خوشبتختانه اخیرا اطلاع پیدا کردم که مساله‏ی‏ ایران‏شناسی مورد توجه آن ماهنامه وزین می‏باشد؛لذا تصمیم‏ گرفتم که مدارک مزبور را در اختیار آن ماهنامه قرار دهم.

نقل تصویر تخت جمشید و مطالب از روزنامه‏ی سنت‏ لوئیس پست دیسپاچ، Saint Louis Oost-Dispatch ایالات متحده امریکا،شماره‏ی یک شنبه،22 نوامبر 1953 عنوان تصویر تخت جمشید:شهری که بر جهان حکومت‏ کرد

پاراگراف 1،در زیر عکس که منظره‏ی عمومی ستون‏ها و پله‏ها را نشان می‏دهد،مطالب زیر نوشته شده:

ستون‏های شکسته،موقعیت پرسپولیس را نشان می‏دهند، مرکز امپراتوری پارس که امروزه ایران نامیده می‏شود. ساختمان‏های تاریخی به افتخار پایتخت جهان در 2500 سال پیش‏ ایجاد شده است.ستون‏های سنگی،باقیمانده از 72 ستونی‏ست که‏ سقف تالار بزرگ اجتماعات را نگاهداری می‏کردند.این‏ ساختمان‏ها در بالای راهرو پلکانی عظیم سنگی کنده‏کاری شده، نشان‏دهنده‏ی مراسم جشن سال نو است که به وسیله‏ی هیات‏ باستان‏شناسی اعزامی از امریکا از زیر خاک بیرون آورده شده.این‏ پله‏ها و کنده‏کاری‏های سنگی به مدت 23 قرن در زیر پوشش‏ خاکی که به وسیله‏ی باد آورده شده بود،پنهان بوده است.

پاراگراف 2،منظره‏ی عکس هوایی پرسپولیس،نشان دهنده‏ی نه‏ سال حفاری‏هاست،مناطق مورد نمایش شامل قسمت‏های زیر است.

الف-پادگان و استحکامات؛ب-خزانه‏داری و تالار بزرگ‏ 256+434 پا،ج-حرمسرا که به وسیله‏ی هیات حفاری تعمیر شده؛د-کاخ فقط قسمتی از زیر خاک خارج شده است؛و-تالار شورا؛هـ-کاخ خشایار شاه؛ی-کاخ داریوش؛ن-آپادانا؛تالار شاه.

حفاری‏های انجام شده،تایید می‏کند که پرسپولیس عاقبت‏ فاجعه‏آمیزی داشته است.بقایای به دست آمده از حفاری‏ها،رویداد آتش‏سوزی بزرگی در این ناحیه را تایید می‏کنند که تخریب بعد از غارت شهر به وسیله‏ی یونانی‏ها صورت گرفته است.

پاراگراف 3،در زیر حجاری تمثال داریوش شاه

حجاری با تزئینات نمایان‏گر خروج داریوش شاه از تالار شوراست،در زیر چتر آفتابی که یک نفر همراه در دست دارد و در حالی که یک نفر دیگر مگس‏پران در بالای سر شاه نگاهداشته‏ است.در بالای سر این گروه،حجاری اهورامزدا(خدای دانا)در یک نمای بالدار به عنوان نشان الوهیت قرار دارد.پوشش سر او مانند پوشش سر شاه به شکل استوانه و هر دو دارای ریش بلند می‏باشند.در دست چپ اهورامزدا،حلقه‏یی وجود دارد که قدرت‏ فرمانروایی را به شاه می‏بخشد.داریوش در شرح حال خود که در روی سنگ کنده‏کاری شده،می‏گوید:«در اثر بخشش و یاری‏ اهورامزدا،من پادشاه شده‏ام».

داریوش با کمک شش نفر از همفکرانش فردی را که به تزویر مقام شاهی را غصب کرده بود و جانشین کامبوجیه(کامبیز)،پسر کوروش شده بود،به قتل رسانده،پادشاهی را برای خود و خاندانش‏ پایدار ساخته بود.

پاراگراف 4،در زیر حجاری روی پله‏ها که شامل تصویری از مادها و پارسی‏هاست.

این حجاری کنده‏کاری شده در مسیر پله‏های کوچک که دو قسمت داخلی را به هم مربوط می‏کند،صف خدمتگزاران را نشان‏ می‏دهد که یک در میان از مادها و پارسی‏ها تشکیل شده که حامل‏ خوراکی برای سفره‏ی شاه هستند.مشخصه‏ی پارسی‏ها لباس‏ بلند با نوعی دستار و شال در سر و مادها با کت کمربنددار و کلاه‏ گنبدی شکل می‏باشد.

مادها برای مدت کوتاهی امپراطوری تشکیل دادند و هنگامی که کوروش قبایل پارسیان را به قیام واداشت،مادها بوسیله‏ی پارس‏ها(هخامنش‏ها)سرنگون شدند.پارس نام‏ قدیمی‏ست که در سال 1935 رسما ایران نامیده شده است.اثر حجاری شده در ناحیه‏ی کوه‏ها در سمت چپ تصویر آرامگاه‏ اردشیر دوم یا سوم است.

ترجمه و اقتباس از روزنامه‏ی

Saint Louis-Dispatch Sundy-November 22,1953

تخت جمشید

زنده یاد محمود منشی کاشانی

تخت جمشید از بلندی،طعنه بر اختر زند خیمه از این لاجوردین قُبّه بالاتر زند پاس این دیرین بنا،بینی که هر دم روزگار سنگ نفرت بر سر سودای اسکندر زند مظهر فرهنگ ایران است،زان رو آفتاب‏ هر سَحَر آید شتابان،بوسه بر این در زند کی شود هم‏سنگ مشتی خاک از این فرخنده جای‏ آسمان از ماه و خور،گر خشت سیم و زر زند طایر اندیشه،زین برتر نبیند جاه و گاه‏ برفراز قرن‏ها چندان‏که بال‏وپر زند فرّخ این کاخ کهن،کایدون بفّر بخت تو از فلک برتر نشیند،بر قمر تسخر زند داستانی نغز و دلکش،داستانی پُرشکوه‏ از هنر وان فرّه‏ی فرهنگ نام‏آور زند نامور فرهنگ ایران،از قرون باستان‏ مِهر را مانَد که بر اَقصای بحر و بر زند هم به خاور پرتو افشانی کند،هم باختر هم به روم آید فروزان،هم به کالنجر زند ورنه این فرهنگ بودی،بیم آن بودی که دهر قفل نسیان بر در دروازه‏ی خاور زند آب و رنگ از پرتو این مِهر رخشان یافته است‏ هر گلی کز علم و صنعت،باختر بر سر زند خُرّم این فرخنده آیین،کز پی خیر بشر راه نشر خیر پوید،بیخ نخلِ شَرّ زند قاصد عزمت قدم،بر تارک پروین و ماه‏ موکب قَدرت علم،بر تارم اخضر زند هر دَمت ز اندیشه‏ی والا،به استعلای مُلک‏ تازه طرحی نقش بندد،تازه نقشی سر زند وز چنان فرخنده رأی عالم‏آرای مُنیر عالمی بر دامنت دست نیاز اندر زند عالَمی اند که از طرح شگرف علم و دین‏ سر به پهنای فلک این مرز پهناور زند باش تا ایران زمین با نور تایید خدای‏ جلوه‏ی دیگر پذیرد،لَمعه‏ی دیگر زند باش تا در سایه‏ی لطف رضا آن شاه دین‏ روزگار از نام این کشور به سر افسر زند زان فروزان‏فر،جهان یک دم تهی یا رب مباد تا سر از جَیبِ جهان مهر فروزان‏فر زند